

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت توسعه علوم انسانی؛ ارائه یک مدل مفهومی

وجیهه کریمی^{1*}، عبدالرحیم نوه ابراهیم²، حمیدرضا آراسته³ و محمدرضا بهرنگی⁴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت توسعه علوم انسانی، بررسی وضعیت موجود و ارائه مدلی مفهومی انجام شد. روش تحقیق ترکیبی و نوع تحقیق توصیفی پیمایشی بود و داده‌ها از طریق سندکاوی، مصاحبه و میدانی جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های استان اصفهان بودند که در بخش کیفی با رویکرد نمونه‌گیری هدفمند، تعداد 14 نفر و در بخش کمی با استفاده از روش تصادفی، تعداد 245 نفر به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسشنامه محقق ساخته بود. برای تعیین پایایی و اعتبار ابزار اندازه‌گیری نیز از آلفای کرونباخ، روایی محتوایی و همزمان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش داده بنیاد و داده‌های کمی از شاخصهای توصیفی، برازش و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که مقوله محوری مطالعه حاضر مشتمل بر سه بعد و 23 مؤلفه است که با توجه به شرایط علمی، زمینه‌ای و میانجی، راهبردهایی تدوین و مدل نهایی بر اساس آن ارائه شده است.

کلید واژگان: مدیریت، توسعه علمی، علوم انسانی.

مقدمه

امروزه، باور عمومی جهانی بر آن است که یکی از محورهای اصلی توسعه هر کشور بر خورداری از علم و پیشرفت در آن است و حتی بدون در نظر گرفتن مدل توسعه‌ای آنها، نقش توسعه علمی در پیشرفت جوامع انکار ناپذیر است. در این بین علوم انسانی به دلیل ارائه چشم‌اندازی روشن از جوامع، این امکان را فراهم می‌سازد تا با درک فرهنگها، بنیادهای اندیشه‌ای و نظام افکار بتوان به بینشی جامع دست یافت که برای تجدید قوای موتور مولد کشورها لازم و ضروری است (Leach, 2011). همچنین نکته قابل

1. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

* مسئول مکاتبات: vajiheh_karimi59@yahoo.com

2. استاد دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: Naveh1954@yahoo.com

3. استاد دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: heplaning@yahoo.com

4. استاد دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: mrbehrangi@yahoo.com

دریافت مقاله: 1393/9/14 پذیرش مقاله: 1393/12/11

تأمل آن است که ستونهای اصلی یک جامعه بر رهبری و مدیریت زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی استوار است و همه این علوم جزء علوم انسانی قرار می‌گیرند؛ بنابراین، زمانی که در یک جامعه از توسعه همه جانبه و دستیابی به توسعه علمی صحبت می‌شود، توجه به توسعه علوم انسانی در رأس همه عرصه‌های علم قرار می‌گیرد. از این رو، میرزاپور ارمکی (Mirzapurarmaki, 2009) رسالت این علوم را «سیاستگذاری سیاستگذاری» عنوان کرده است، زیرا در صورت اختلال یا تعطیلی در این علوم، طرح کلان آن کشور یا تمدن به اختلال و تعطیلی مبتلا می‌شود. به دلیل این اهمیت جوامع ناگزیرند تا کلیه امکانات انسانی، نهادی و اقتصادی خود را به کار گیرند تا علوم انسانی و توسعه آن مورد توجه افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرندگان خرد و کلان قرار گیرد. حال سؤال اساسی این است که منظور از توسعه علوم انسانی چیست و در خصوص دستیابی به الگوی مناسب برای مدیریت توسعه علوم انسانی چه مؤلفه‌ها و ابعادی باید مطرح نظر قرار گیرند تا این مدیریت به نحو شایسته صورت پذیرد؟

مطالعه ادبیات نشان می‌دهد که موضوع توسعه علمی و مدیریت آن حتی در کشورهای توسعه یافته نیز تا چند دهه گذشته نهادینه نشده و برنامه‌های مدیریتی آن به‌ویژه در حوزه علوم انسانی با پراکندگی روبه‌رو بوده است. با وجود این، کوششهای گسترده نظری و عملی از دهه 1970 تا کنون روزه‌های جدیدی را برای فهم و تدوین مفهومی واحد و جامع برای توسعه علمی ایجاد کرده است و تفاوت دیدگاهها و نگرشها، ابعاد و جوانب گوناگونی از این پدیده را اندیشمندان نمایان ساخته‌اند. توجه به هر یک از این تعاریف با تأکید بر جوانبی خاص، الگویی متفاوت را برای مدیریت این پدیده پیشنهاد می‌کند. در این خصوص شوfer و همکاران (Schofer, Ramirez & Meyer, 2000) توسعه علمی را فرایند رشد و گسترش تعقل و تفکر در فعالیتهای علمی، توسعه و گسترش علم به‌عنوان یک حرفه تا دنبال کردن کارهای تحقیقاتی ادامه دارد و به‌منظور مدیریت توسعه علمی دو بعد تحقیقات و آموزشهای تخصصی را مد نظر قرار داده است. سازمان توسعه همکاریهای اقتصادی⁵ (2005) نیز توسعه علم را چرخه‌ای از فرایندها معرفی کرده که متشکل از ایجاد ظرفیت خلق و جذب دانش در کشورهاست. کوهن (Kuhn, 1990) نیز در چرخه تولید علم به این دو مورد اشاره و بیان کرده است که پس از ایجاد بحران برای علم موجود، انقلاب علمی رخ می‌دهد و به دنبال آن علم جدید ایجاد می‌شود و این چرخه مرتب در حال وقوع است. البته، وی معتقد است که علوم انسانی شایستگی ورود به حلقه علوم را ندارد، چرا که اجماع نظری در خصوص پارادایم مسلط در آن موجود نیست. تسائو و همکاران (Tsao, Boyack, Coltrin, Turnely & Gauster, 2008) نیز دو بعد خلق و بسط پارادایم را از جمله ابعاد تولید دانش معرفی و از کلمات تحقیق [به‌جای خلق پارادایم] و توسعه [به‌جای بسط پارادایم] استفاده کرده‌اند. کارایانیس و کمپل (Carayanis & Campbel, 2012) با افزودن شبکه‌های نوآوری و

خوشه‌های دانش به فرایندهای خلق، توزیع و استفاده از دانش، الگوی سوم تولید دانش را تدوین کرده‌اند. با اینکه این اندیشمندان همه این ابعاد را جزئی از فرایند تولید علم معرفی می‌کنند، ولی فازکاس و وارو (Fazekas & Varro, 2001) بیان می‌کنند که بهبود کارایی در تولید علم فقط بخشی از فرایند توسعه علوم انسانی شناخته می‌شود و برای دستیابی به نتایج نهایی آن به کاربردی ساختن نتایج و استفاده وسیع از دانش تولید شده در بخش دانشگاهی و عمومی نیاز است. ذاکر صالحی (Zakersalehi, 2007, p.139) نیز توسعه علمی را دستاورد توجه به فرایند دو بعدی تولید و کاربرد دانش معرفی می‌کند، به گونه‌ای که موجب بهبود و ارتقای سطح زندگی مردم شود. از منظر شریعتمداری (Shariatmadari, 2005, p. 165) نیز توسعه علمی فعالیتی چندجانبه است که فقط به مقوله علم نپرداخته است و برای مدیریت آن باید به ابعاد علمی، آموزشی، پژوهشی، فناوری و ترویج فرهنگ توجه شود. نوروززاده و رضایی (Norouzzadeh & Rezaei, 2011) با اشاره به این تعاریف بیان می‌کنند که توسعه علمی به معنای دانش بنیان بودن کلیه جوانب توسعه است که حاکمیت علم، روش و نگرشهای علمی در همه مراحل مطالعه، تدوین، اجرا، نظارت و ارزشیابی آن قابل رؤیت باشد. همچنین از کیا (Azkia, 2002) توسعه علمی را دارای ابعاد گوناگونی می‌داند که تولید علم، تحول در نهادهای اجتماعی، تغییر در نگرشها، افزایش توان بهره‌برداری از ظرفیتهای موجود به صورت مستمر و پویا و ایجاد نوآوری جدید را در بر دارد. وی توجه به دو هدف افزایش دانش در سطح تخصصی و عامه مردم و تولید خدمات را عمده‌ترین اهداف مدیریت توسعه علمی مطرح می‌کند.

قانع‌راد (Ghaneirad, 2003) مدیریت توسعه علمی را مرکز توجه قرار داده و چهار الگوی تواناسازی، کاراسازی، مؤثرسازی و الگوی همه‌جانبه نظام علمی و فناوری را برای آن عنوان کرده است. وی در الگوی تواناسازی تأمین منابع و دروندادهای لازم برای تأسیس نیازهای نهادها و پاسخگویی به آنها و فعالیتهای علمی، در الگوی کاراسازی افزایش برون‌دادهای و محصولات نظام علمی، در الگوی مؤثرسازی افزایش اثربخشی فعالیتهای علمی و پژوهشی در جامعه و در الگوی همه‌جانبه توجه به کلیه کارکردها و ابعاد گوناگون توسعه برای دستیابی به توسعه متوازن را مد نظر قرار داده است. بنابراین، می‌توان گفت که ابعاد تأمین منابع، تولید علم و ارائه خدمات تخصصی، ارائه محصولات و دستاوردهای عمومی و افزایش اثربخشی اجتماعی در الگوی مدیریت مورد توجه قرار گرفته است. حمیدی‌زاده (Hamidizadeh, 2004, p.113) نیز با ارائه مبحثی با عنوان «مدیریت دانش‌آفرینی در دانشگاهها» ابعاد تولید، سازماندهی و کاربرد دانش را از فرایندهای اصلی مدیریت دانش در این مراکز بیان کرده است. همچنین وی عنوان می‌کند که مدیریت توسعه علمی فقط به مدیریت سرمایه‌های موجود علمی مربوط نمی‌شود، بلکه فرایندهایی را که بر داراییها نیز اثر می‌گذارند، شامل می‌شود.

وجود دلایل قابل تأمل همچون تفاوت‌های ماهیتی، اختلاف در دیدگاههای معرفت‌شناختی و پیچیدگی تفکر انسانی منجر به آن شده است که نتوان با اقتباس و الگوگیری صرف از مدیریت توسعه سایر علوم به نتایجی قابل توجه در حوزه علوم انسانی دست یافت. با استناد به مطالب عنوان شده می‌توان چنین

استنباط کرد که گرچه تا حدودی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت توسعه علمی از منظر اندیشمندان بررسی شده، ولی ابعاد مدیریت توسعه علوم انسانی به‌طور خاص کاوش نشده و در حال‌های از ابهام است. از این رو، لازم است پژوهش‌های مستقلی برای بررسی این ابعاد در حوزه علوم انسانی صورت گیرد. بررسی و مقایسه این ابعاد با وظایف و اهداف آموزش عالی در حوزه علوم انسانی نیز مشخص می‌سازد که برخی از این مؤلفه‌ها همچون تولید، آموزش و اشاعه و کاربست علم با عمده‌ترین رسالت‌های دانشگاه‌ها همپوشی دارند. این سه بعد از منظر یونسکو نیز سه رسالت اصلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تلقی می‌شوند (Ekrami, 2003, p. 49). گادت (Godet, 1994) نقش‌آفرینی در سه بعد تولید (پژوهش)، آموزش و به‌کارگیری علم را برای مراکز علمی ضروری می‌داند. همچنین مارکز (Maracas, 1999, p.19) خلق و تولید دانش، نشر و اشاعه دانش و خدمات‌دهی آکادمیکی به جامعه را از نگاه بیشتر محققان سه مشخصه اصلی یک دانشگاه مدرن معرفی می‌کند. سمپت و موری نیز کارکرد اصلی مؤسسات آموزش عالی را تولید، آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد و ماهر و انتقال دانش تعریف می‌کنند (Sampt & Mowery, 2005). در نهایت، بازنگری ابعاد مدیریت توسعه علمی حتی در معنای عام نیز نشان می‌دهد که در اغلب مطالعات عمدتاً بر تولید علم تأکید شده و از سایر جوانب همچون آموزش، تحقیق، نظارت، ایجاد ظرفیت خلق دانش، انتقال، جذب، سازماندهی و کاربرد دانش غفلت شده است. با چنین پیشینه‌ای و با احساس وجود خلأ در تحقیقات حوزه علوم انسانی و توسعه علمی این مطالعه انجام شده و در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر بوده است:

1. ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل دهنده مدیریت توسعه علوم انسانی در آموزش عالی کدام‌اند؟
2. چه الگوی مفهومی (نظری) را برای مدیریت توسعه علوم انسانی در آموزش عالی می‌توان ارائه کرد؟
3. الگوی طراحی شده تا چه میزان وضعیت موجود مدیریت توسعه علوم انسانی را در دانشگاه‌ها تبیین می‌کند؟

روش پژوهش

در این پژوهش ابتدا با مطالعه کتابخانه‌ای، ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت توسعه علوم انسانی بررسی و سپس، با استفاده از روش کیفی ابعاد نهفته پدیده مورد مطالعه تحقیق و الگوی نظری تکمیل شد. پس از بررسی زمینه مورد نظر به کمک روش داده بنیاد و زمینه‌ای، متغیرهای مورد مطالعه شناسایی و کدگذاری و الگوی ساختاری طراحی شد. در انتها در بخش کمی با طراحی ابزار تناسب‌سنجی، طراحی سؤالات پرسشنامه، اجرای آزمایشی و اجرای نهایی وضعیت موجود بررسی و الگوی طراحی شده آزمون شد. از این رو، پژوهش حاضر از نظر نوع داده‌ها هم در زمره روش‌های کمی و هم روش‌های کیفی قرار می‌گیرد و به‌دلیل توالی روش کیفی و کمی، روش آن آمیخته متوالی⁶ است. با توجه به قلمرو موضوعی، جامعه

آماري اين تحقيق در هر دو بخش اعضای هیئت‌علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی و پیام‌نور استان اصفهان در سال تحصیلی 93-1392 بودند. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و روش گلوله برفی 14 نفر از صاحب‌نظران در بین جامعه آماری شناسایی شدند و به‌صورت نیمه ساختار یافته با آنها مصاحبه شد. در بخش کمی برای تعیین نمونه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. تعداد جامعه آماری 670 نفر بود و تعداد نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران و با تعدیل نمونه 245 نفر برآورد شد.

برای تعیین روایی و پایایی سؤالات مصاحبه به ترتیب از روش روایی محتوایی و روش ضریب توافق (90) استفاده شد. به‌منظور تعیین روایی و پایایی پرسشنامه نیز پس از اجرای آزمایشی پرسشنامه محقق ساخته بر روی 30 نفر از افراد جامعه، همسانی درونی مؤلفه‌های هر یک از عوامل اصلی با روش آلفای کرونباخ بررسی شد که حدود 0/8 و بالاتر به‌دست آمد و نشان‌دهنده پایایی بالای مؤلفه‌ها در خصوص عامل اصلی بود (جدول 1). به‌منظور تأیید روایی علاوه بر روایی محتوایی⁷، از روایی همزمان نیز استفاده شد. در روایی محتوایی پرسشنامه را پنج صاحب‌نظر از جامعه آماری و استادان راهنما و مشاور بررسی کردند و با اعلام نظر آنان اصلاحات علمی - ساختاری در آن اعمال شد. برای تعیین روایی همزمان ابزار تحقیق علاوه بر طراحی و استخراج گویه‌های ابزار از درون مصاحبه‌ها، یک سؤال نیز در خصوص مؤلفه مورد بحث به مجموعه سؤالات هر مؤلفه اضافه شد تا در محاسبه روایی استفاده شود. از نتایج به‌دست آمده مطابق جدول 1 می‌توان استنباط کرد که کلیه ضرایب همبستگی به‌دست آمده در سطوح 0/05 و 0/001 معنادارند و بدین ترتیب، می‌توان اذعان کرد که پرسشنامه مدیریت توسعه علوم انسانی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن از روایی همزمان مطلوبی برخوردارند و می‌توان به درستی سازه مورد نظر را با آنها اندازه‌گیری کرد [نتایج میانگین از مجموع جدول 1 در ادامه تفسیر شده است].

پس از تأیید پایایی و روایی، پرسشنامه متشکل از 87 سؤال در مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت استفاده و وضعیت موجود در سه بعد تولید، اشاعه و آموزش و کاربست علوم انسانی و 23 مؤلفه بررسی شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS و برای آزمون الگو و اعتباریابی مدل از نرم‌افزار لیزرل و تحلیل عاملی مرتبه دوم استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش شامل یافته‌های کیفی و کمی است. یافته‌های کیفی مبتنی بر تحلیل داده‌های گردآوری شده از مصاحبه و یافته‌های کمی حاصل تحلیل داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه است. سؤال 1. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مدیریت توسعه علوم انسانی در آموزش عالی کدام‌اند؟

بر اساس مطالعه ادبیات تحقیق و با توجه به تشریح عناصر نظریه داده بنیاد، امکان پاسخگویی به سؤال اول پژوهش فراهم شده است.

جدول 1- بررسی میانگین از مجموع (M)، آلفای کرونباخ (α) و ضریب همبستگی (روایی همزمان)

ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سازه مدیریت توسعه علوم انسانی

| عوامل اصلی | مؤلفه‌های تشکیل دهنده | M | α | R | سطح معناداری |
|--|------------------------------|-----------------------------------|----------|------|--------------|
| تولید علوم انسانی | پژوهش | 22/53 | 0/69 | 0/79 | 0/001 |
| | اجتماعات و انجمنهای علمی | 11/97 | 0/65 | 0/65 | 0/05 |
| | ارتباطات علمی | 15/63 | 0/71 | 0/76 | 0/05 |
| | فناوری اطلاعاتی | 18/98 | 0/68 | 0/68 | 0/05 |
| | کیفیت تولیدات علمی | 10/54 | 0/66 | 0/87 | 0/001 |
| | خلاقیات | 7/47 | 0/72 | 0/85 | 0/001 |
| | اخلاق حرفه‌ای | 11/59 | 0/69 | 0/68 | 0/05 |
| | آزادی علمی و استقلال دانشگاه | 18/98 | 0/73 | 0/69 | 0/05 |
| | رهبری | 0/89 | 0/67 | 0/72 | 0/05 |
| | | تولید علوم انسانی (مجموع) | | 0/78 | |
| آموزش و اشاعه علوم انسانی | گزینش دانشجوی | 8/52 | 0/75 | 0/75 | 0/05 |
| | برنامه‌ریزی آموزشی | 18/54 | 0/78 | 0/74 | 0/001 |
| | انتشارات علمی | 15/88 | 0/79 | 0/69 | 0/001 |
| | محتوای دروس | 10/74 | 0/81 | 0/67 | 0/05 |
| | ارتباطات برون سازمانی | 18/84 | 0/71 | 0/83 | 0/05 |
| | یادگیری مادام العمر | 14/7 | 0/76 | 0/76 | 0/001 |
| | تدریس | 9/77 | 0/73 | 0/78 | 0/05 |
| | | آموزش و اشاعه علوم انسانی (مجموع) | | 0/85 | |
| کاربست علوم انسانی | مسئله‌مداری | 12/61 | 0/74 | 0/75 | 0/05 |
| | ارزیابی مستمر | 14/48 | 0/68 | 0/81 | 0/05 |
| | مخاطب‌شناسی | 10/02 | 0/65 | 0/76 | 0/001 |
| | مستندسازی پژوهشها | 14/48 | 0/72 | 0/72 | 0/05 |
| | ارائه خدمات تخصصی | 8/11 | 0/69 | 0/68 | 0/05 |
| | بانکهای اطلاعاتی و آمار | 9/73 | 0/75 | 0/73 | 0/001 |
| | نیاز محققان | 13/17 | 0/72 | 0/69 | 0/001 |
| | | کاربست علوم انسانی (مجموع) | | 0/83 | |
| سازه مدیریت توسعه علوم انسانی (کل گویه‌ها) | | | 0/92 | | |

جدول 2- کدهای باز و کدهای محوری تشکیل دهنده تولید علوم انسانی

| کدهای محوری (مؤلفه‌ها) | کدهای آزاد |
|-------------------------------|---|
| پژوهش | سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تحقیقاتی در حوزه علوم انسانی |
| | استقبال از توان خلاقیت علمی - پژوهشی دانشجویان و استادان |
| | توجه به ظرفیتهای تحقیقاتی به‌عنوان شاخصی در جذب اعضای هیئت‌علمی |
| | انجام دادن مطالعات میان رشته‌ای |
| | فضا و امکانات مناسب پژوهش |
| اجتماعات و انجمنهای علمی | شبکه سازی بین استادان و دانشجویان |
| | مشارکت اعضای هیئت‌علمی در اجرای تحقیقات و سایر کارهای علمی |
| | توسعه فعالیت‌های علمی از سطح فردی به سطح گروهی |
| | پویایی اجتماعات و انجمنهای علمی |
| ارتباطات علمی | تعامل علوم انسانی با دیگر حوزه‌های علوم |
| | تعامل سازنده بین صاحب‌نظران برای رویارویی با مسائل واقعی در علوم انسانی |
| | دیپلماسی علمی و تبادلات آکادمیک بین کشورها |
| | توسعه و گسترش تعاملات علمی در تمام سطوح ملی و فراملی |
| | قشربندی دقیق بین استادان، محققان دانشگاهی و کارمندان دانشگاه |
| | فرصتهای مطالعاتی |
| فناوریهای اطلاعاتی | امکانات و فناوریهای روزآمد و کافی اطلاعاتی |
| | امکان به‌کارگیری نرم‌افزارهای جدید برای اجرای پژوهش |
| | ایجاد مهارت در استادان و دانشجویان برای استفاده از فناوریهای اطلاعاتی |
| کیفیت تولیدات علمی | بالا بودن کیفیت تکنیکی نتایج تحقیق |
| | هماهنگی کیفیت و کمیت در تولیدات علمی این حوزه |
| | بالا بودن کیفیت محتوایی نتایج تحقیق |
| خلاقیت | تقویت ظرفیتهایی همچون خلاقیت و نوآوری در دانشجویان |
| | حمایت جامع از برنامه‌های نوآورانه علوم انسانی در جامعه |
| | نوآور بودن پژوهشهای حوزه علوم انسانی در دانشگاهها |
| اخلاق حرفه‌ای | رعایت حق مالکیت فکری برای دانشجویان و استادان |
| | احترام به علم و حاملان آن در جامعه |
| | حاکمیت ارزشها و معنویت بر اخلاق حرفه‌ای استادان و آموزش آن به دانشجویان |
| | رعایت اخلاق حرفه‌ای در جمع‌آوری، نگارش و ارائه یافته‌ها |
| آزادی علمی و استقلال دانشگاهی | وجود فضای آزاد اندیشی، استقلال فکری و اظهار نظر در دانشگاهها |
| | وجود فضا و محیط سیاسی برانگیزاننده و تقویت‌کننده برای فعالیتهای علمی |
| | هدایت ساختار دانشگاه به سمت توزیع اطلاعات، نه کنترل اطلاعات |
| | وجود امنیت شغلی در دانشگاه |
| رهبری | کفایت مراکز تولید اندیشه علوم انسانی در کشور از نظر تعدد و تخصص |
| | حمایت تیم مدیریت دانشگاهی به‌عنوان تسهیل‌گران فعالیتهای علمی |
| | توجه به رسالت‌های علوم انسانی و نقش زمینه پروری آن برای همه رشته‌ها |
| | تغییر در سیاست‌گذاریهای تولید علم در حوزه علوم انسانی نسبت به سایر رشته |
| | تدوین استراتژیهای کارآمد برای تولید علوم انسانی |

بدین منظور، در بخش کیفی پژوهش پس از جمع‌آوری و تلخیص نکات کلیدی (146 نکته) و استفاده از نظر خبرگان 87 کد آزاد تعیین شد. در گام بعدی این فرایند برای شکل‌گیری مقوله ادامه یافت و تعداد این کدها به 23 زیرمقوله در بعد مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مدیریت توسعه علوم انسانی کاهش پیدا کرد. در مرحله بعد با توجه به ماهیت این 23 زیرمقوله و بررسی دقیق روابط آنها، مقوله‌بندی در مرحله کدگذاری نهایی آغاز و به‌صورت سه مقوله اصلی (بعد): تولید علوم انسانی، اشاعه و آموزش علوم انسانی و کاربست علوم انسانی دسته‌بندی و ارائه شد. در جدول 2 کدهای باز و عوامل فرعی یا زیرمقوله‌ها برای کد محوری تولید علوم انسانی برای مثال آورده شده است.

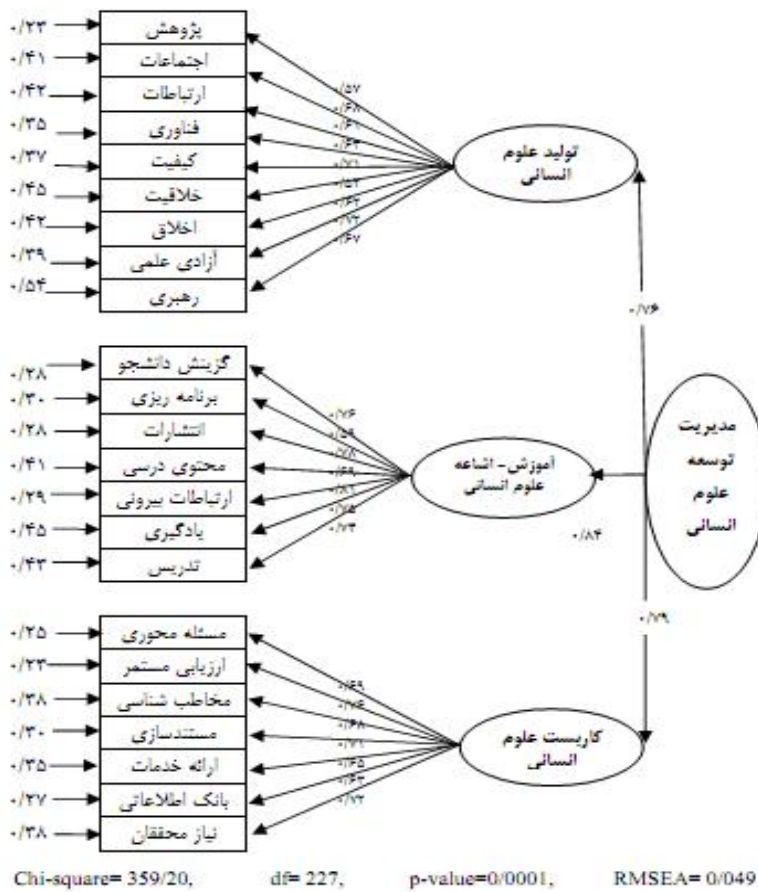
سؤال 2. چه الگوی مفهومی (نظری) را برای مدیریت توسعه علوم انسانی در آموزش عالی می‌توان ارائه کرد؟

ادغام یافته‌های کیفی با مطالعات کتابخانه‌ای الگویی را ترتیب می‌دهد که نسبت به الگوی به‌دست آمده از بخش کتابخانه‌ای پژوهش از جامعیت و قوام بهتری برخوردار است. یافته‌های کیفی به‌دست آمده در پاسخ به سؤال اول پژوهش نشان داد که بر اساس کدگذاری محوری روش نظریه داده بنیاد، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مدیریت توسعه علوم انسانی شامل تولید علوم انسانی [یا مؤلفه‌های فرعی پژوهش، اجتماعات و انجمنهای علمی، ارتباطات علمی، فناوری اطلاعاتی، کیفیت تولیدات علمی، خلاقیت، اخلاق حرفه‌ای، آزادی علمی و استقلال دانشگاهی و رهبری]، اشاعه و آموزش علوم انسانی [یا مؤلفه‌های فرعی گزینش دانشجو، برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات علمی، محتوای دروس، ارتباطات برون‌سازمانی، یادگیری مادام‌العمر و تدریس] و کاربست علوم انسانی [یا مؤلفه‌های فرعی مسئله‌مداری، ارزیابی مستمر، مخاطب‌شناسی، مستندسازی پژوهشها، ارائه خدمات تخصصی، بانکهای اطلاعاتی و آمار و نیاز محققان] است؛ به‌عبارت دیگر، برای شناخت مدیریت توسعه علوم انسانی باید به این سه مؤلفه اصلی توجه کرد و برای تغییر و تحول در مدیریت توسعه علوم انسانی ضرورت ایجاد تغییر در این مؤلفه‌ها بی‌تردید است. با توجه به اینکه برای طراحی این الگو از روش استقرایی استفاده شد و با کنار هم قرار دادن کدهای باز الگوی مدیریت توسعه علوم انسانی به‌دست آمد، لذا، می‌بایست مشخص می‌شد که آیا این مدل از اعتبار کافی برخوردار است؟ آیا ابعاد سه‌گانه و کل سازه مدیریت توسعه علوم انسانی به‌درستی با عوامل فرعی و عوامل فرعی به‌درستی با سؤالات سنجیده می‌شوند؟ برای پاسخگویی به این سؤالات از شاخصهای به‌دست آمده از نرم‌افزار لیزرل استفاده شد که در پاسخ به سؤال سوم به همراه الگوی نهایی ارائه شده است.

سؤال 3. الگوی طراحی شده تا چه میزان وضعیت موجود مدیریت توسعه علوم انسانی را در دانشگاهها تبیین می‌کند؟

پاسخگویی به سؤال سوم پژوهش و این سؤال اساسی که آیا مدل از اعتبار لازم برخوردار است یا خیر؟ نیازمند به‌کارگیری شاخصهای برازش مدل و معیارهای اعتباریابی است. در این الگو برای سنجش مدیریت توسعه علوم انسانی در دانشگاهها سه عامل اصلی (تولید، اشاعه - آموزش و کاربست) و برای

سنجش هر عامل اصلی از چند عامل فرعی و در نهایت، برای سنجش عوامل فرعی از سؤالات یا آیت‌ها استفاده شد، از این رو، لازم است وضعیت موجود تمام مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تشکیل‌دهنده بررسی و آزمون شود و با این اقدام قابلیت تبیین الگو برآورد می‌شود. در این خصوص نرم‌افزار لیزرل و روش تحلیل عاملی تأییدی این امکان را برای آزمون الگو و بررسی برازش آن فراهم می‌سازد.



نمودار 2- تحلیل عاملی مرتبه دوم مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مدیریت توسعه علوم انسانی

وجود C^2 پایین و نسبت کای دو به درجه آزادی کمتر از سه نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است. در این پژوهش با توجه به خروجی لیزرل، نسبت C^2 محاسبه شده به درجه آزادی برای کل سازه برابر با $1/58$ ، برای عامل تولید $1/10$ ، برای عامل اشاعه $1/88$ و برای عامل کاربست $2/58$ است. همچنین مقدار $RMSEA^8$ و RMR^9 کمتر از $0/08$ ، GFI^{10} و $AGFI^{11}$ بالای 90 درصد و نزدیک به یک همگی نشان‌دهنده اعتبار مدل هستند. همان‌گونه که در جدول 3 گزارش شده است، همه این شاخصها از مقادیر مطلوبی برخوردارند. در الگوی مدیریت توسعه علوم انسانی سه عامل اصلی تشکیل‌دهنده سازه مدیریت توسعه علوم انسانی؛ یعنی تولید علوم انسانی، آموزش و اشاعه علوم انسانی و کاربست علوم انسانی به‌عنوان متغیرهای مکنون¹² مرتبه دوم و سازه مدیریت توسعه علوم انسانی متغیر مکنون مرتبه اول است.

جدول 3- شاخصهای برازش الگوهای تولید، اشاعه و آموزش کاربست و سازه مدیریت توسعه علوم انسانی

| شاخص | دامنه قابل قبول | مؤلفه تولید | مؤلفه اشاعه | مؤلفه کاربست | کل سازه |
|--------------------|-----------------|-------------|-------------|--------------|---------|
| خی دو (χ^2) | - | 683/49 | 549/53 | 632/15 | 359/20 |
| درجه آزادی | - | 620 | 292 | 245 | 227 |
| χ^2/df | $3 \leq$ | 1/10 | 1/88 | 2/58 | 1/58 |
| RMSEA | $0/08 \leq$ | 0/06 | 0/013 | 0/13 | 0/049 |
| RMR | $0/08 \leq$ | 0/04 | 0/011 | 0/19 | 0/025 |
| NFI | نزدیک به 1 | 0/87 | 0/93 | 0/87 | 0/87 |
| CFI | نزدیک به 1 | 0/86 | 0/92 | 0/94 | 0/93 |
| GFI | نزدیک به 1 | 0/95 | 0/99 | 0/92 | 0/98 |
| AGFI | نزدیک به 1 | 0/92 | 0/98 | 0/89 | 0/96 |

سهم هر یک از عوامل فرعی در مؤلفه‌ها و سهم هر یک از مؤلفه‌ها در سازه مدیریت توسعه علوم انسانی بر اساس ضرایب لامبدا (λ) و مجذور ضریب همبستگی (R^2) مشخص می‌شود که در جدول 4 بیان شده است. اطلاعات جدول مذکور نشان می‌دهد که سازه مدیریت توسعه علوم انسانی با عوامل اصلی و عوامل فرعی دربرگیرنده آن از ضرایب لامبدای معناداری برخوردارند و برازش مدل سازه

8. Root Mean Square Error of Approximation

9. Root Mean Square Residual

10. Goodness of Fit Index

11. Adjusted Goodness of Fit Index

12. Latent Variables

مدیریت توسعه علوم انسانی برآزشی مناسب و معنادار است. مقادیر t-Value بزرگ‌تر از 1/96 حاکی از معناداری ضرایب لامبدای به‌دست آمده است. کوچک‌ترین ضریب لامبدا با مقدار 0/21 و بزرگ‌ترین مقدار این ضریب 0/84 است. ستون ضرایب تبیین نیز میزان قدرت تبیین عوامل و مؤلفه‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد. دو ضریب تبیین 0/044 برای فناوری اطلاعاتی و 0/057 برای خلاقیت مقدار نسبتاً پایینی را نشان می‌دهد و ضرایب دیگر سهم نسبتاً مناسبی در تبیین واریانس عوامل را از خود نشان می‌دهند. بنابراین، با استفاده از نتایج به‌دست آمده از برآزش مدل مدیریت توسعه علوم انسانی استنتاج می‌شود که مدل اعتبار مناسبی دارد و مؤلفه‌ها و عوامل مذکور می‌توانند سهم مناسبی در تبیین واریانس عامل مدیریت توسعه علوم انسانی داشته باشند.

جدول 4 - ضریب لامبدا، t و ضریب تبیین عوامل اصلی و مؤلفه‌های مدیریت توسعه علوم انسانی

| R ² | t-value | λ | عوامل فرعی | عوامل اصلی |
|----------------|---------|------|------------------------------|-------------------|
| 0/58 | 5/39 | 0/76 | - | تولید علوم انسانی |
| 0/18 | 5/39 | 0/42 | پژوهش | توسعه علوم انسانی |
| 0/16 | 5/43 | 0/4 | اجتماعات و انجمنهای علمی | |
| 0/36 | 7/41 | 0/6 | ارتباطات علمی | |
| 0/044 | 3/12 | 0/21 | فناوری اطلاعاتی | |
| 0/19 | 5/98 | 0/44 | کیفیت تولیدات علمی | |
| 0/057 | 4/02 | 0/24 | خلاقیت | |
| 0/18 | 5/68 | 0/43 | اخلاق حرفه‌ای | |
| 0/12 | 4/25 | 0/34 | آزادی علمی و استقلال دانشگاه | |
| 0/25 | 8/12 | 0/5 | رهبری | |
| 0/71 | 7/43 | 0/84 | - | |
| 0/12 | 4/56 | 0/34 | گزینش دانشجو | توسعه علوم انسانی |
| 0/21 | 5/12 | 0/46 | برنامه‌ریزی آموزشی | |
| 0/27 | 6/43 | 0/52 | انتشارات علمی | |
| 0/078 | 3/09 | 0/28 | محتوای دروس | |
| 0/22 | 5/32 | 0/47 | ارتباطات برون سازمانی | |
| 0/18 | 5/13 | 0/43 | یادگیری مادام‌العمر | |
| 0/18 | 5/28 | 0/42 | تدریس | |
| 0/62 | 6/41 | 0/79 | - | |
| 0/18 | 4/57 | 0/42 | مسئله‌مداری | توسعه علوم انسانی |
| 0/23 | 5/12 | 0/48 | ارزیابی مستمر | |
| 0/28 | 5/36 | 0/53 | مخاطب‌شناسی | |
| 0/41 | 6/19 | 0/64 | مستندسازی پژوهشها | |
| 0/22 | 5/33 | 0/47 | ارائه خدمات تخصصی | |
| 0/45 | 6/43 | 0/67 | بانکهای اطلاعاتی و آمار | |
| 0/5 | 7/24 | 0/71 | نیاز محققان | |

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از اجرای این پژوهش شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت توسعه علوم انسانی و ارائه یک مدل مفهومی برای آن بوده است. از این رو، ابتدا سازه «مدیریت توسعه علوم انسانی» به‌عنوان پدیده‌ای وابسته به زمینه، به کمک مطالعات اسنادی و نظریه داده بنیاد مطالعه شد. نتایج بخش کیفی نشان داد که حداقل سه بعد تولید، اشاعه و آموزش و کاربری علوم انسانی و 23 مؤلفه برای توسعه علوم انسانی قابل طرح است. این ابعاد بر اساس شاخصهای کمی آزمون شدند و نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که عوامل اصلی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده سازه مدیریت توسعه علوم انسانی در الگوی طراحی شده عوامل مناسبی هستند، زیرا با توجه به شاخصهای به‌دست آمده برازش الگو تأیید می‌شوند. از این رو، نتایج بازنگری ادبیات، مطالعات کیفی و کمی به‌صورت زیر تلخیص می‌شود:

1. **تولید علوم انسانی:** تولید علوم انسانی به فعالیتهایی مربوط می‌شود که از اجرای پژوهشهای بنیادی و کاربردی شروع می‌شود و به خلق اندیشه، طراحی و تولید یک فکر یا محصول تازه یا دانش نوین می‌انجامد. این فعالیتها بر اساس روش کیفی داده بنیاد و با توجه به کدهای احصا شده و تبدیل به زیرمقوله‌های مربوط شامل موارد جدول 5 است. در این عامل اصلی مؤلفه‌های خلاقیت و کیفیت تولیدات علمی در وضعیت موجود کمترین میانگین و مؤلفه‌های پژوهش، فناوری اطلاعاتی و آزادی علمی و استقلال دانشگاهی بالاترین میانگین را در وضعیت موجود مدیریت توسعه علوم انسانی دارند. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش با نتایج سایر پژوهشها در برخی مؤلفه‌های تولید علوم انسانی همخوانی دارد (جدول 5).

جدول 5- مؤلفه‌های تولید علوم انسانی و پژوهشهای همخوان با آن

| | |
|---|------------------------------|
| Carayanis & Campbell, 2012; Asadzadeh, 2007; Hopkins, 2001 Holt, 2008; Gray, 2008; Arasteh, 2005; | پژوهش |
| Farasatkah, 2005; Sarookhani & Malek, 2008; Sabouri, 2004; Pramod, 2003; Arasteh, 2007; Fedoroff, 2009 | اجتماعات و انجمنهای علمی |
| Karimian, Sabbaghian, Saleh Sedghpour & Lotfi, 2010 | ارتباطات علمی |
| Abedi, Oreize & Shavakhi, 2007 | کیفیت تولیدات علمی |
| Rabani, Ghasemi, Rabbani, Adibi, & Ofoghi, 2011; Gray, 2008 | خلاقیت |
| Scarbrough, 2001 Schler, 1996; | اخلاق حرفه‌ای |
| Farasatkah & Tofighi, 2002; Arasteh, 2007 | آزادی علمی و استقلال دانشگاه |
| Hopkins, 2001; Ghaneirad, 2003; Farasatkah & Tofighi, 2002; Hamidzadeh, 2004; Stigler, 2001 | رهبری |

2- **اشاعه و آموزش علوم انسانی:** آموزش و انتشار علم به مفهوم در دسترس قرار دادن و انتقال اطلاعات و ایده‌هاست که در بعد تخصصی این فعالیت در بین اجتماعات علمی، دانشجویان، متخصصان

و پژوهشگران رشته‌های علوم انسانی مطرح است و در بعد عمومی به گسترش دیدگاه علمی در سطح جامعه و ایجاد درک و بینش درست از علوم انسانی نزد عوام اطلاق می‌شود. این فعالیت بر اساس کدهای باز احصا شده و تبدیل آن به زیرمؤلفه‌های مربوط شامل موارد جدول 6 است. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در این عامل اصلی مؤلفه‌های گزینش دانشجو و تدریس کمترین سهم از وضعیت موجود و مؤلفه‌های ارتباطات و برنامه‌ریزی آموزشی بیشترین سهم از وضعیت موجود مدیریت توسعه علوم انسانی را دارند.

جدول 6- مؤلفه‌های اشاعه و آموزش علوم انسانی و پژوهشهای همخوان با آن

| | |
|---------------------|--|
| گزینش دانشجو | Azizi, 2008; Khorsandi, 2008; Rafipour, 2002; Jackson, Hilt & Denisi, 2013; Behrangi & Hoseinian, 2008 |
| برنامه‌ریزی آموزشی | Banner & Cannon, 1999; Jackson et al., 2013; Arasteh, 2003 |
| انتشارات علمی | Mousavi, 2010 |
| محتوای دروس | Mehrmohammadi, 2000 |
| ارتباطات بیرونی | Behrangi, 2008 |
| یادگیری مادام العمر | Fadeeva & Mochizuki, 2010; Cheng, 2003 |
| تدریس | Dickson, 2004; Cheng, 2003; Sadeghi & Ebrahimzadeh, 2008; Stigler, 2001 |

3- **کاربست علوم انسانی:** استفاده از یافته‌های پژوهشی، دستاوردها یا اندیشه‌های خلق شده در حوزه علوم انسانی به صورت آنی یا بلندمدت به معنای کاربرد این علوم است. این فعالیتها بر اساس کدهای باز احصا شده و تبدیل آن به زیرمؤلفه‌های مربوط شامل موارد جدول 7 است. در این عامل اصلی نیز مؤلفه‌های ارائه خدمات تخصصی و بانکهای اطلاعاتی و آمار کمترین میزان از سهم وضعیت موجود و مؤلفه‌های ارزیابی مستمر و مستندسازی پژوهشها بیشترین میزان از سهم وضعیت موجود مدیریت توسعه علوم انسانی را دارند. نتایج به دست آمده از این پژوهش با نتایج سایر پژوهشها در برخی از مؤلفه‌ها همخوانی دارد (جدول 7).

جدول 7- مؤلفه‌های کاربرد علوم انسانی و پژوهشهای همخوان با آن

| | |
|-------------------------|--|
| مسئله‌مداری | Hennink & Stephenson, 2004; Peterson, 2007; Farasatkah, 2005; Holt, 2008 |
| ارزیابی مستمر | Arasteh, 2007; Saki, 2008; Eyvazi, 2008 |
| مخاطب‌شناسی | Saki, 2008; Fullan, 1991; Havelock & Benne, 2003; Safi, 2001 |
| مستندسازی پژوهشها | Sobhaninezhad & Afshar, 2009; Rabani et al., 2011; |
| ارائه خدمات تخصصی | Edward, 1994; Sabouri, 2002 |
| بانکهای اطلاعاتی و آمار | Rabani et al., 2011; Sobhaninezhad & Afshar, 2009 |

| | |
|-------------|---------------------------|
| نیاز محققان | پژوهش همخوانی مشاهده نشد. |
|-------------|---------------------------|

در جمع‌بندی مباحث ارائه شده در خصوص مقوله‌بندی مدیریت توسعه علوم انسانی نیز پژوهشهای متعددی وجود دارد که یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. حمیدی‌زاده (2004, Hamidizadeh, p.113) در مطالعه‌ای با عنوان «مدیریت دانش‌آفرینی در دانشگاهها» تولید، سازماندهی، نشر و کاربرد دانش را از فرایندهای اصلی مدیریت دانش در این مراکز بیان کرده است. گادت (1994, Godet) نیز نقش‌آفرینی در سه بعد تولید (پژوهش)، آموزش و به‌کارگیری علم را برای مراکز علمی ضروری می‌داند. ریاضی (2008, Riazi) نیز سه نهاد تولید علم، نشر یافته‌ها و استفاده از تحقیقات را در امر توسعه کشور به کمک دانش درگیر می‌داند. مارکز (1999, Maracas, p.19) خلق و تولید دانش، نشر و اشاعه دانش، کاربری علم و خدمات‌دهی آکادمیکی به جامعه را از نگاه بیشتر محققان سه مشخصه اصلی یک دانشگاه مدرن معرفی می‌کند. اکرامی (2003, Ekrami, p. 49) نیز سه رسالت اصلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را از دیدگاه یونسکو آموزش، پژوهش (تولید علم) و به‌کارگیری علم معرفی کرده است. برخی از پژوهشگران نیز همه این مراحل را در تولید یا کاربرد علم جای داده‌اند، برای مثال، گیونز، نووتنی و همکاران (2003, Nowotny, Scott & Gibbons) کاربرد علم را یکی از پنج اصل مهم تولید دانش می‌دانند. با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که چون رسالت علوم انسانی سیاستگذاری کلان جامعه است، رصد تیزبینانه و مدیریت آن حایز اهمیت بیشتری است و این فرایند بدون شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

1. به‌منظور نگرشی موزون به مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه علوم انسانی، ارزیابی و اصلاح عملکرد این حوزه، به همه ابعاد و مؤلفه‌های مذکور و نه فقط به بعد تولید و انتشار علم توجه شود.
2. با توجه به پایین بودن کلیه میانگینها در زیرمؤلفه‌های ابعاد اصلی تولید، اشاعه و کاربری علوم انسانی و اهمیت و جایگاه مدیریت توسعه حوزه علوم انسانی در اسناد بالادستی به ویژه نقشه جامع علمی کشور و سند چشم‌انداز، ضرورت دارد مجموعه نظام آموزش عالی کشور به خصوص دانشگاهها به‌عنوان یکی از چشم‌اندازهای مطلوب و مزیت‌آفرین، در برنامه‌ریزی استراتژیک خود به مسئله مدیریت توسعه علوم انسانی توجه جدی داشته باشند.
3. به‌منظور دستیابی به مرزهای قابل قبول در تولید و انتشار علوم انسانی و بهره‌مندی از این علوم لازم است از اقدامات زیربنایی همچون توانمندسازی منابع انسانی به کمک گزینش مناسب دانشجویان، اصلاح محتوای دروس، تربیت پژوهشگر علوم انسانی، یادگیری مادام‌العمر و .. کمک گرفته شود.
4. نظر به نگرش صاحب‌نظران مبنی بر توجیه نبودن تصمیم‌گیرندگان برای اجرا و به‌کارگیری پژوهشهای علوم انسانی در رفع مسائل بنیادین و افزایش توان رقابتی کشور، ضرورت دارد با اجرای برنامه‌های

- عملیاتی مناسب به آگاه‌سازی مدیران سیاسی و علمی کشور و تغییر نگرشهای منفی آنها به علوم انسانی توجه و با برگزاری سمینارها، کارگاهها، انجمنهای علمی و از طریق صدا و سیما دیدگاه آنها اصلاح شود.
5. با توجه به زیرساختهای لازم برای پشتیبانی و دستیابی به توسعه علوم انسانی که در این پژوهش در سه سطح دانشگاه، سازمانها (پژوهشی) و جامعه تبیین شد، برنامه‌ریزیهای جامعی برای اصلاح آن صورت پذیرد.
6. در خصوص ایجاد تفاهم علمی در باره مفاهیم توسعه علوم انسانی، مبانی نظری و معرفت‌شناسی این حوزه از سوی صاحب‌نظران مقایسه و اجماع صورت گیرد.
7. تشکیل نهادها و اجتماعات علمی در حوزه علوم انسانی و ساماندهی روشهای برقراری ارتباط بین این اجتماعات با سازمانها، نهادها و مجامع ذی‌نفع در گردش صحیح چرخه توسعه علوم انسانی اهمیت بسیاری دارد.
8. پژوهشی با عنوان نقش استراتژیک مدیریت توسعه علوم انسانی در تحقق اهداف نقشه جامع علمی کشور و سند چشم‌انداز 1404 انجام پذیرد.

References

۱. Abedi, A., Oreize, H.R., & Shavakhi, A.R. (۲۰۰۵). A meta-analysis of affective factors to the application of research findings in the education of Iran. *Journal of Education Innovation*, No. ۱۲, (in Persian).
۲. Arasteh, H.R. (۲۰۰۵). The role of higher education on the development view of Iran ۱۴۰۴. *Journal of Rahyafat*, (۳۱), ۳۳-۴۲ (in Persian).
۳. Arasteh, H.R. (۲۰۰۳). *Academic freedom; encyclopedia of higher education*. Tehran: Great Persian Encyclopedia Foundation Press, ۱, ۴ (in Persian).
۴. Arasteh, H.R. (۲۰۰۷). *The strategic change in universities and higher education centers: Planning for survival and success*. Tehran: Imam Hossein University Press, (in Persian).
۵. Asadzadeh, Z. (۲۰۰۷). Investigating the scientific? Information production by academic staff at university. *Journal of Ye-Ketab*, ۱۸(۲), ۲۱۵-۳۰ (in Persian).
۶. Azizi, N. (۲۰۰۸). Education and research in universities. The National Congress of the Humanities, ۶ (in Persian).
۷. Azkia, M. (۲۰۰۲). *Sociology of development and underdevelopment in Iran*. Tehran: Information Press (in Persian).

۸. Banner, J.M., & Cannon, H.C. (۱۹۹۹). *The elements of teaching*. Yale University Press.
۹. Behrangi, M.R., & Hoseinian, S. (۲۰۰۸). Increasing the effectiveness of humanities and reducing barriers to mutual understanding of other disciplines. Humanities Congress International, (۸), ۵۳۲ (in Persian).
۱۰. Carayanis, E.G., & Campbel, D.F.J. (۲۰۱۲). *Knowledge creation, diffusion and use in innovation networks and knowledge clusters. A Comparative Systems Approach across the United States, Europe and Asia*, London: Prayer Publisher, London.
۱۱. Cheng, Y.C. (۲۰۰۳). *Fostering knowledge and wisdom in globalization education*. Hong Kong: Center for Research and International Collaboration, ۲۲۱۳-۲۲۵۰.
۱۲. Dickson, D. (۲۰۰۴). *Nature*. ۴۳۲, ۲۷۱, ۳۰ Nov.
۱۳. Edward, I. (۱۹۹۴). A review of the literature on dissemination and knowledge utilization.
۱۴. Ekrami, M. (۲۰۰۳). The model of educational leadership at the University of the State of Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, ۹(۳), ۴۹-۸۶ (in Persian).
۱۵. Eyvazi, M. R. (۲۰۰۸). Humanities pathology and barriers in Iran. The National Congress of the Humanities, ۵ (in Persian).
۱۶. Fadeeva, Z., & Mochizuki, Y. (۲۰۱۰). Higher education for today and tomorrow: University appraisal for diversity, Innovation and Change towards Sustainable Development. *Sustainability Science*, ۵(۲), ۲۴۹-۲۵۶.
۱۷. Farasatkah, M., & Tofighi, J. (۲۰۰۲). Structural accessories of scientific development in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, ۸(۳), (in Persian).
۱۸. Farasatkah, M. (۲۰۰۵). *The purpose of role of the scientific community in the policy-making and evaluation of policies process in the Iran*. Country Scientific Policies Research Center, Tehran: No. ۴۲ (in Persian).
۱۹. Fazekas, T., & Varro, V. (۲۰۰۱). Scientometrics and publishing in Hungarian Medical Science. *Ethical and Technical Issues, ORV Hetil*, ۱۴۲(۴۵), ۲۴۹۳-۹.

۲۰. Fedoroff, N. V. (۲۰۰۹). Science diplomacy in the ۲۱st century. *Cell*, ۱۳۶(۱).
۲۱. Fullan, M. (۱۹۹۱). A review of the literature on dissemination and knowledge utilization. The Intended Users. Retrieved from http://www.Ncddr.org/du/products/review/review_۱۰.html.
۲۲. Godet, M. (۱۹۹۴). *From anticipation to action*. UNESCO Publication, (۱۲), ۲۳۰.
۲۳. Ghaneirad, M. A. (۲۰۰۳). A pre-model conversation in sociology of Iran. *Journal of Iran Sociology*, ۰ (۱), (in Persian).
۲۴. Gray, M. (۲۰۰۸). Knowledge production in social work: The gold standard of mode ۲. ۳rd Biannual Congress of the International Association of Schools of Social work (IASSW) Transcending Global-Local Divides, Durban, South Africa, ۲۰-۲۴th.
۲۵. Hamidizadeh, M. (۲۰۰۴). Knowledge creation in universities. The Conference of Higher Education and Sustainable Development, Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).
۲۶. Havelock, R. G., & Benne, K. D. (۲۰۰۳). An exploratory study of knowledge utilization. Retrieved from www.ncddr.org/du/products/.
۲۷. Hennink, M., & Stephenson, R. (۲۰۰۴). Using research to inform health policy: Barriers and strategies in developing countries. Opportunity and Choices Working Paper, (۹), ۱-۳۷.
۲۸. Holt, R. (۲۰۰۸). *Knowledge utilization in education*. Retrieved from WWW.thedratner.com.
۲۹. Hopkins, D.A. (۲۰۰۱). *Teachers guide to classroom research*. Third Edition Buckingham, U.K., P. ۷۸.
۳۰. Jackson, S. E., Hilt, M. A., & Denisi, A. S. (۲۰۰۳). *Managing knowledge for sustain competitive advantage*. San Francisco: USA. Black Well Publishing.
۳۱. Karimian, Z., Sabbaghian, Z., Saleh Sedghpour, B., & Lotfi, F. (۲۰۱۰). Examining the interaction between society, researchers and university science. *Research in Medical Education*, ۲(۱), ۱-۹ (in Persian).
۳۲. Khorsandi, A. (۲۰۰۸). The humanities in Iran and ways to improve it, The International Congress of the Humanities, ۷ (in Persian).

۳۳. Kuhn, T. (۱۹۹۰). *Possible worlds in history of science possible world in humanities, arts and science*. Berlin: Degruyter, ۹-۳۲.
۳۴. Leach, A. J. (۲۰۱۱). *The summery of statement in congress of America*. Base of National Endowment for the Humanities.
۳۵. Maracas, G.M. (۱۹۹۹). Decision support system in the twenty – first century.
۳۶. Mehrmohammadi, M. (۲۰۰۰). *Preparation of national education document*. Tehran: Ministry of Education (in Persian).
۳۷. Mirzapurarmaki, A. (۲۰۰۹). The importance and necessity of development of humanities and religious science production. *Journal of Rahyافت*, ۴۹ (in Persian).
۳۸. Mousavi, M. F. (۲۰۱۰). Exploring the possibility of Iran scientific promote science in ten producing countries in the world. *Journal of Rahyافت*, (۳۰), (in Persian) .
۳۹. Norouzzadeh, R., & Rezaei, N. (۲۰۱۱). Scientific development in the Islamic Republic of Iran. *Journal of Science Production*, ۲ (in Persian).
۴۰. Nowotny, T., Scott, P., & Gibbons, M. (۲۰۰۲). The new production of knowledge. *Minerva*, ۳۲(۵), ۲۳۰.
۴۱. Peterson, J.C. (۲۰۰۷). *Framework for research utilization applied to seven case studies*. America.
۴۲. Pramod, J. (۲۰۰۳). *History of INSA*. New Delhi.
۴۳. Rabani, A., Ghasemi, V., Rabbani, R., Adibi, M., & Ofoghi, N. (۲۰۱۱). Sociological analysis of science production methods: Reflection on modern approaches. *Journal of Cultural Researches*, ۴(۴), (in Persian).
۴۴. Rafipour, F. (۲۰۰۲). *Barriers of scientific growth in Iran and solutions to its*. Tehran: Eteshar Corporation (in Persian).
۴۵. Riazi, A. M. (۲۰۰۸). The model of impact: A proposal to increase of impact factor in the humanities research in the development of society. The Congress of the Humanities, ۷ (in Persian).
۴۶. Sarookhani, B., & Malek, H. (۲۰۰۸). Sociological analysis to the role of scientific community in the process of teaching and research policy in Iran. The Congress of the Humanities, ۸ (in Persian).
۴۷. Sabouri, A.A. (۲۰۰۲). Review of Iran's research record in ۲۰۰۲. *Journal of Rahyافت*, (۲۸), ۸۷-۹۶ (in Persian).

۴۸. Sadeghi, A., & Ebrahimzadeh, A. (۲۰۰۸). Higher education and increasing competencies in humanities students. National Congress of the Humanities, ۸ (in Persian).
۴۹. Safi, A. (۲۰۰۷). The efforts, challenges future policy and importance of research in education. *Journal of Education Bulletin*, Institute of Education, (۳۵), (in Persian).
۵۰. Saki, R. (۲۰۰۶). A effective step forward for improving activities: Research management training in educational. *Journal of Research Training*, (۶۲-۶۳), (in Persian).
۵۱. Sampt, B., & Mowery, D. (۲۰۰۵). *University in national innovation system*. P. ۲۰۹.
۵۲. Scarbrough, H. (۲۰۰۱). Knowledge a la mode: The rise of knowledge management and its implications for views of knowledge production. *Social Epistemology*, ۱۵(۳), ۲۰۱-۲۱۳.
۵۳. Schler, M. (۱۹۹۶). *Problems of a society of knowledge*. tr. M. S. Frings, P. ۱۰۰.
۵۴. Schofer, E., Ramirez, F.O., & Meyer, J.W. (۲۰۰۰). *The effects of science on national economic development, ۱۹۷۰ to ۱۹۹۰*. ۸۳۵-۷.
۵۵. Shariatmadari, A. (۲۰۰۵). *The position of the humanities in the production of knowledge*. Tehran: Islamic Culture Office of Print Publication (in Persian).
۵۶. Sobhaninezhad, M., & Afshar, A. (۲۰۰۹). Removing barriers to the movement of science production: Basic mechanism in research innovation activities in university. *Journal of Management at the Islamic University*, ۴۱(۱), (in Persian).
۵۷. Stigler, J.W. (۲۰۰۱). *Cultures of mathematlinics instruction in Japanese and American elementary school*.
۵۸. Tsao, J. Y., Boyack, K. W., Coltrin, M. E., Turnely, J. G., & Gauster, W. B. (۲۰۰۸). A framework for understanding knowledge production. *Research Policy*, (۳۷), ۳۳۰-۳۵۲.
۵۹. Zakersalehi, Gh.R. (۲۰۰۷). Prerequisites for scientific development in Iran. Tehran: Ministry of Science, Research and Technology, (۴۴), (in Persian).

